

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

قواعد فقہ صمدی

قواعد فقہ

عبارت است از حکم کلی فقہی که در ابواب مختلف فقہ و حقوق به کار برده می شود.

عبارت عربی آن این است که (القواعد الفقہیہ احکام عامہ تجری فی ابواب الفقہ)

مثل قاعده لاضرر - قاعده اضرار - قاعده اتلاف و تسبیب و قاعده یدر قاعده ضمان بر قاعده

عزور - قاعده صحت - قاعده درء - قاعده ضمان مقبوض به محقر قاسم

مسئله فقہی عبارت است از بیان حکم کاری که مکلف باید انجام دهد. (مسئله ای که بیان

مصرات مکلفین را بیان می نماید). مثل حریات، واجبات و انکسار غش در معامله صحیح

حکم دارد؟ معامله با صغار صحیح است یا خیر، کم فرزند و...

مسئله اصولی

علم اصول فقہ عبارت است از دانستن قواعدی که آنگاه که بران استنباط احکام شرعی و فروعی

مثل انکسار امر دلائل بر وجوب دارد یا خیر؟ نفس دلائل بر وجوب دارد یا خیر؟

حاکم، خاص، مقید، مطلق و... جایگاه قاعده فقہی مابین دو علم مسئله فقہی و مسئله اصولی

قرار دارد. اولین قاعده فقہی مورد بحث قاعده اتلاف امر به است. قاعده اتلاف بر برینه

شده از جمله مشهور و معروف "من اتلف مال الغير فهو له ضامن" هرگاه کسی مال غیر را

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

تلف نماید اگر ضامن است . معنای اصطلاحی اتلاف عبارت است از هرگاه کسی شخصاً

یعنی بدون واسطه یا به وسیله ای و یا با واسطه مال دیگری را تلف کند ، تلف کننده در برابر

صاحب مال ضامن و مسئول می باشد . مثل هرگاه کسی شخصاً و بدون واسطه گستره

دگری را آتش بزند یا برای یقین بخندار کند ، چاره آتش برافروزد ، بعد از رفتن او

با آتش ~~را~~ گستره ترک و سبب آتش سوزی آن شود این فرد

ضامن است . در مثال اول ضمان مباشرت است و در بعدی تبسی است . از قاعده

کلی اتلاف هر عنصری قابلیت مجت دارد . تلفات ، مال ، ضمان و واسطه

تلف¹⁵

به معنای نابود کردن و از بین بردن است . مثل اشتم خانه دیگری را تخریب یا

آتش بزینم و عین مال را تلف نمایم .

²⁰ آیا کم کردن مال دیگری منع استغاره از اموال و دیگری (که خانه ای که مانع استغاره

آن مقوم) و نیز ممانعت از ممانعت غیر تلف تصرف می شود یا خیر ؟

جواب از هرگاه حقوقدانان به متره تلف حکم است .

25

مال عبارت است از هر چیزی که برای رفع نیاز مندی انسان به کار رود را

Subject :

Year . Month . Date . ()

گویند، مثل خوراک، پوشاک، منزل، ماشین، حیوان و ...
 آیا هوا، مریا، دریا، های آزاد جزو مال محسوب می شوند یا خیر؟ همین قابل
 اختصاص یافتن نسبت مال محسوب نمی شود.

ضمان

یعنی جبران مال ازین جهت بر حسب اینکه منی باشم قهری بر مجده تلف گفته
 می باشد (مثل هدا، نفعی که در عالم خارج عین و مثل آن یافت گردد)

واسطه

در تعریف اصطلاحی اتلاف عمدی شخصاً یا بوسیله ای حکایت از آن دارد که اتلاف
 یا به مباشرت من باشد یا به تسبیب در ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی مباشر

را تعریف نموده است. یعنی شخصاً معوجیات تلف مال را بوجه خود آورید مثل هل دارن،

آتش زدن و ... ولی تسبیب عبارت است از اینکه شخصاً عمل را انجام ندهیم ولی اگر

عمل ما نبود تلف هم صورت نمی گرفت مثل زدن چاه، زدن سبب در صورتی

چاه - زدن کار در داخل چاه و ...

Subject :
Year . Month . Date . ()

وجوه اشتراك

اتلاف به تسبیب و مباشرت در اتلاف به تسبیب و مباشرت محدود قصد شرطی

نیست ، هرچند اندازه که تلف و ضرر به دیگری وارد شود کافراست چه قصد به فعل

داشته باشیم و چه قصد به تسبیب ، هیچ کدام شرط نیست . علم شرط صحیح کدام از آنان

فنی باشد ، چه علم به موضوع داشته باشیم که این عمل موجب زیان می شود یا خیر ؟

چه علم به حکم داشته باشیم که عمل ما ضمان آور است یا خیر ؟ در هر صورت

ضمان بر عهده ما هستیم .

قاعده فقہ سے قاعده اتلاف سے من ائلف مال الغیر مضموناً من



{ بالمباشرہ ← مضمناً یا بدون واسطہ

{ بالسبب ← باواسطہ

وجہ مشارکت بن این لو این است کہ نباید "علم و مقصد" وجود داشته باشد الزاماً

وجوه افتراق بن تلف بالمباشرہ و تلف بالسبب

۱- در مباشرت بن تلف و نقل مباشرت واسطه ای وجود ندارد

۲- در سبب نیز بن تلف و نقل مباشرت واسطه ای وجود ندارد

10

۳- در مباشرت با فعل مثبت مادی محقق می شود پس ترک فعل در مباشرت نداریم

در سبب ترک فعل مثبت مادی وجود دارد و ترک فعل محقق می شود (و تلف مضموناً)

مثل ترک اتفاق یا و کالتی که ترک آن موجب

۳- در مباشرت تقصیر شرط نیست مرتباً چه تقصیر داشته باشد قدر یا تلف مال موکل شود

در سبب تقصیر شرط است اگر چه از آنکه در سبب باشد یا تلف مال موکل است

تقصیر در رد علامت حکم از رهنده نیز

۴- در مباشرت اثبات تقصیر (ترام) لازم نیست

در سبب اثبات تقصیر (ترام) لازم است و این وظیفه می گردد زین پس در سبب

که تقصیر را ثابت نماید

اثبات تقصیر با هم رعایت مقررات و نظام دولتی

۱- رعایت مقررات دولتی

همین بن احتیاجی و بن مبالائی محقق

۲- رعایت نظامات دولتی

یا سود

۳- نظامات دولتی

۴- بن احتیاجی

دلیل مثبت قاعده اتلاف

① علم معروف و مشهور مابین علماء (قاعده فقہ) من ائلف مال الغیر مضموناً

② آن مقرراتی که از آن من ائلف مال الغیر مضموناً میسر می آید

در آن کسی ضرر نباشد که وارد کند یا در غیر آن ضرر کند

Subject: تعملاب سال رقم الفرامی نوازندین در صورت تلف با بیرون قرار شود
Year. Month. Date. ()

- (۳) اجماع علماء (محصل، تنقیح، دلالت دارد که قاعده تلف الزام آورده است)
 - (۴) روایات (ست) من اکثر بطریق ائمه من مقرر است
- عرب الل المسلم لحرمة الدم

(تلف) اجماع مابین سبب و مباشر

5

(ب) در سبب

(ج) در مباشر

حالت اگر بر اطمینان در حدیثی صیران در جاه بقدر تلف شود عرف خود کرده جاه را خاص می دانند یعنی سبب نه مباشر است

در سبب یا مباشر بودن آن، مال شود مباشر مسئول است نه سبب

عمر اندک سبب یا قوی، هم بخوبی که عرفاً اتلاف مستند او باشد

اگر جاه هرگاه سبب و مباشر خارج جمع شود مباشر مقصر است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود در این زمینه هم حالت در حدیث دارد و در فروع مقصور است

- ۱- مباشر اقوی از سبب است
- ۲- مباشر و سبب مساویند

۳- سبب اقوی از مباشر است یعنی عرف تلف را به سبب نسبت و حدیث سبب

مثلاً اگر کسی در سبب چیزی خورند و نفر سبب صیران را در آن بنویسند صیران تلف خود خورنده خورنده و سبب

صیران بنویسند این اما عرف شخصی که صیران را داخل جاه کرده است مسئول دانند

و اطمینان یا طولی است در هر دو جاه ملکی در دو مورد است از آنجا

یا عرض است این جاه کرده پس مستند است سبب مقصر مقصر است

در قانون سبب مقدم مقصر دانسته شده است

تأالی سبب مقصر است

(سبب اقوی مقصر است)

ج در جمع بین دو مباشر هر دو هم منزلی مقصر خود خاصند

اگر اه در سبب کسی که مال را در روز خراب به مال دیگری کند شخص ملکه فاسد است

مغزور در سبب کسی (انحراف) اگر اهل کسی که خسارت دیده نمی توانیم

خارج فریبده شخص فریبده مراعات کند

Subject :

Year . Month . Date . ()

سببها گاهاً در عرض بگذرند گاهاً در طول بگذرند ، در عرض مثل اینکه دو توپا هم فرو نمانند ، گاه
 در آن بقیه و تلف شود و هم اسباب پست و بی فایده
 گاه سببها در طول بگذرند ، مگر در راه طنائی مانند ، و در بی جاهی عوین نام در کس
 خنجر و نقره کشد و موجب تلف شود در آنکه نه امر تکلیفی از این اسباب را تقصیر
 بدانند بین عتق و کفالت اختلاف وجود دارد در این زمینه نظیر در حدیث

۱- سبب مقدم عقوبات

۲- گاه اسباب عقوبت

۳- سبب قوی تر عقوبات و ملاک در ضمانت می باشد.

در ۶۷۷ قانون مدنی در ماده ۶۷۷ امری جایگزین میکند
 اجتماع دو سبب هرگاه در حدیثی حاصل در تلف در هر دو باشد هم مسئول ضمانتند

در ۶۷۷ قانون مدنی
 اگر آه و تهدید در سبب

هرگاه بر اثر آزار و تهدید تلفی در دو سال یا توانند آزار کرده مراعات کنند

غرض در اتلاف (یا تسبب در اتلاف) در صورتی که تلف کرده جاهل و همراه باشد و سبب
 مدعی آن در حدیثی مال توقیفی تواند به فرقیتم شده یا مغرور مراعات کند ، حق
 رجوع به فرستاده را ندارد هر چند که مغرور در آن حدیث وارد شده باشد و فرستاده طلب
 نماید ، مثال شخص ، شناسایی نمودن مالکین فرستاده و در وقت آنرا احوالی
 من نامر مالک اصلی حق ندارد ، شناسایی و احوالی را از فرستاده بگذرد ، هرگز
 جاهل نیز حق ندارد به فرستاده مراعات نماید

۱۹۴، ۱، ۲۶

موجب غرور «قاعده غرور»

غرور در لغت به معنای خدیم ، بزرگ و فریب آورده است

Subject :

Year . Month . Date . ()

در اصطلاح علم حقوق قاعده خوردگی اگر کسی صحت فریب و زیان دیگری را فراهم آورد موجب تلف مالی از او گردد، باید از مجده خسارات وارده برآید. مثلاً تدلیس کند، عین در معامله کند یا مال دیگری را بفروشد.

در این اصطلاح شخص فریبده را "خار" و شخص فریب خورده را "مغرور" و مال مورد فریب را "مغرور" می نامند.

- کذا توقف غرور ^{بیع} عذر مستفاد است که به عنوان ارکان غرور شناخته می شوند
- ۱- فعل مثبت مادی محقق شود. مثلاً اجاره، کارم، معامله مقبولی، تدلیس و ... فرس مال غیر
 - ۲- وجود و تأثیر فریب حتماً باید فریبده عالم و فریب خورده جاهل باشد

۳- اقدام

۴- قاعده باشد یا نباشد تفاوتی ندارد چه عالم است قصد تأثیری ندارد و از آنجا که غرور ^ن است

۵- زیان باید وارد شود اگر زیان وارد نشود از صحت غرور محسوب نمی شود.

- ۱- مادی
 - ۲- معنوی
- مبایست

دلایل امتناع

۱- روایات

روایت نبوی ^ص "المغرور يرجع الی من غره" یعنی کسی که فریب شده می تواند به دیگری

کس که به او ضرر ندهد رجوع کند

۲- اجماع علما اغلب علما بر قاعده غرور اتفاق نظر دارند (منقول - محصل)

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

۳) دلیل عقلی (استصحابات عقلی یا بنابر عقلا)
عقل من تویر اثرکس به کس ضرر ز دبا در آن زیان را جبران کند

۴) روایات خالص

روایات خاص که در زمینه های صایب وارد شده می تواند عنوان ملاک استفاده شود
زمینه های مثل تدلیس در معاملات ، تدلیس در نسیج ، نسیج در تجارت ، نسیج در محاکم ، فروش علی شرط

۵) قاعده لا ضرر

در اسلام هیچ ضرر بدون خسارتی نداریم " لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام"
اثرکس موجبات زیان دیگری را فراهم نماید باید جبران خسارت کند

۶) قاعده اتلاف و تسبیب

اثرکس موجبات ضرر زیان به دیگری شود باید از پس خسارت او برآید . قاعده
اتلاف ، قاعده مخرور به دلیل وجود مبانی مشترک تک حکم دارند ولی چون
انهم از الفاظ مخرور ، اتلاف و تسبیب به شکل جداگانه استفاده کرده اند و
ما اعتقاد به حکمت آنها داریم لذا این الفاظ به همان شکل استفاده می شود

دایره حاکمیت قاعده مخرور

در قواعد حقوقی قاعده بر این است که فقط ضررها مستقیم باید جبران شود . در قاعده مخرور
دایره حاکمیت مخرورت مل تمام ضررها و زیانها وارده می شود . هزینه های مثل هزینه کارشناسی

هزینه الی و غیره ، پرداخت می شود

کاربرد قاعده مخرور

تدلیس در نسیج

نسیج در محاکم

Subject :

Year . Month . Date . ()

معاملات فصولی موضوع ماده ۲۶۳ قانون مدنی

وکالت در انتقال مال غیر

در مواردی غیر از این موارد باید از قواعد دیگر استفاده کرد.

۵ اگر کسی بخواهد اذن مالک مبارکت به انتقال مال وی نماید باید بعد از رضایت مالک

و ابلیز در واقع معامله غیر نافذی است که اگر مالک اجازه دارد معامله صحیح است و اگر

اجازه ندارد معامله باطل است.

۱۰ طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی اگر شرایط صحت عقد وجود نداشته باشد ابطال آن کرد

۱- عقد معامله وجود داشته باشد

۲- اهلیت طرفین معامله

۳- موضوع یقین مال

۴- مشروعیت مورد معامله

شرایط صحت معامله

۱۵ ارکان غرور ۱- فعل نادر مستحق محقق شود

۲- به وجود آمدن آن به عبارتی تا زمان به وجود نیاید ضمان هم

وجود ندارد مثل معامله فصولی

۳- وجود و تاثیر ضرب زیان باید ناشی از کاری باشد که موجب

ضرب زیان دیده شود

۴- علم فریبنده و جهل فریبیده برای تحقق غرور جهل شخص مغرور لازم

است. مثلا اگر دارویی زیان آور بخورند»

یا ب دشنی خورانده شود و صند زدن آنگاه

باشد ولی مرچیات زیان مغرور را فراهم

آورد شخص "خار" ضامن است.

Subject :

Year . Month . Date . ()

مثلاً اگر کسی عالماً باشد ما آنکس را با سند ملک دستوری و انفرادی
و صاحب اصلی مال پیدا شود، فرستیده ضامن است.

۱- مقصد و حکم مقصد همین اندازه که شخص با کار دستوری فرستیده شود
و زمان بپسندد، بعنوان غرور صدق می کند، خواه
مقصد این کار باشد یا نباشد.

ادله حقیق قاعده غرور

۱) روایت نبوی "الغرور رجوع الی من غرّه" فریب خوردن به فرستیده خود رجوع
می کند

۲) اجماع علماء (منقول و محصل) که اگر کسی کلام فقها بدست می آید

۳) بنای عقلی و دلیل عقلی حکماً در کارهای خود اگر از فریب زده بپسندد برای حیرت
آن به فرستیده مراجع می کند

۴) قاعده لاضرر

۵) قاعده تسبیب در آنکه قاعده غرور را از مصادر قاعده تسبیب بدانیم یا غیر اختلاف
است

۶) روایات خاصه با غرور مثل روایات در باب شهادت کذب، تدلیس در بیع،
معاملات قضایی و ...

۷) حضرت امیر من فرمایند شوهر حق دارد برای باز پرس گرفتن گوید اینی که موجب غرور
و تدلیس را فراهم آورده است مراجع نماید.

۸) دایره مسئول قاعده غرور

غرور بر آن اندازه است که من معامله و خارج به کار فرستنده سوره مطالب طلب نماید مثل آنکه

Subject :

Year . Month . Date . ()

ملکی را من حذر ، برای خرید این ملک هزینه‌هایی مثل هزینه دارایی ، هزینه ثبت
هزینه کارشناسی و ... پرداخت می‌کنند ، هر توانند کل هزینه‌ها را از خازر طلب نمایند .

* کاربرد ماده غرور

۵ - ۱ - معاملات فصولی

۲ - تدلیس در نفع

۳ - توافقی در روع که مستند حاکم شرع و حکم دادگاه قرار نگیرد

۴ - بیداری با مال دیگری

۱۰ ماده ۲۶۳ قانون مدنی می‌گوید هرگاه مالک معامله را اجازه ندهد مشتری هم
بر فصولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای نقض و طلب ضمانت به بائع

فصولی رجوع نماید .

ماده ۳۲۵ قانون مدنی

۱۵ اگر مشتری جاهل به نصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می‌تواند نسبت
به نقض و ضمانت به بائع رجوع کند اگر چه مسبب نزد خود مشتری تلف شده
باشد .

۱۹۴، ۲۲

صِحَّانِ بَرِّكَ عَلَى النَّبِيِّ

۲۰ اگر شخصی مال کسی را بدو اذن مالک برآورد با بی‌آن مال را محودت دهد .

معنی ماده بدهنده
۲۵ اگر شخص مالی را در اختیار داشته باشد مالک آن مال تلفی می‌شود اولین

اصل در مالکیت وجود مال در اختیار شخص می‌باشد . مگر خلاف آن طلب می‌شود

Subject :

Year . Month . Date . ()

ضمان عقد

در ضمان عقد مقدمه آن وجود یک کفالت ولی در ضمان بر عقدی وجود ندارد.
تفاوت بنی ضمان بر با اتلاف حیثیت و
رکن اصلی در اتلاف تلف است در حالی که در ضمان بر رکن اصلی تسلط است.

دلیل حقیقت

این موضع روایتی نبوی است " علی ایله ما اخذت حتی توفی " ^{توایه}

اگر کسی بر مال دیگری مسئول شود صلاً باید آزار برساند.

در تحلیل روایت بنویس که منظور از توفی است انسان نیست ولی در معنی اصلی روایت تسلط بر مال است
به رسیدن بر نیز می یابیم.

ایا در مقابل دستاویز افرادی هستند که به شکل رابط برای دستاویز به مال باشد، اگر
بدانیم به تصرف ماصیل مدوانی بوده من تصرف ماصیل نیز می شود.

در مرتب اگر مرتب از یک نفر در تصرف وظایف داشته باشد در مرتب می شود.

اموال در این موضع شامل اموال منقول، غیر منقول و حیوانات می شود ولی شامل

مناقع می شود

علم و عقل در قاعده بر قاشری نداشته و شخص متصرف متول تلف و خسارت بر مال است

اگر اه در ضمان بر مگره مسئولی ندارد ولی مگره مسئول است. افراد مستضعفین، ضعیفین

ممنوع، مجنون و... شامل قاعده اگر اه هستند. ضعیفین، استباه کننده، مضطرب...

Subject :

Year . Month . Date . ()

مقبول قاعده ضمان نیز میباشد.

تودی در روایت نبوی به معنی خودت دادن به مالک است، در غیر اینصورت باید مال را به دست وکیل مالک رساند به شکلی که عرفاً معنی آن رسیدن مال به دست مالک اصلی باشد.

اگر مالک فوت کرده باشد، مال باید به دست حاکم شرع یا ولی فقیه برسد نباید به معرفت قرار گیرد. حیثالی باید بر ذراته شود.

برای آنکه باید عین مال بر گردد حتی اگر موجب خسارت شود. اگر باز در انزل عین مال امکان پذیر نباشد، بدل یا مثل آن در غیر اینصورت بجای آن پرداخت شود.

قاعده ضمان بر با قاعده علی البی

عبارت است از اینکه هرگز بر مال دیگری بدون اذن مالک دست نیاندیم موقوف است

نفت به رد آن مال به صاحب آن یا نمانده وی اقدام نماید، و اگر مال ازین سرور مملکت است مثل باقیمت آنرا مسترد نماید.

فروق قاعده ضمان بر با قاعده بر

قاعده بر، قاعده مالکیت و تصرف نسبت به مالی که در اختیار من باشد اطلاق می گردد. یعنی هر مالی که در اموال من است بر تصرف مالکانه دارد مگر آنکه خلافش ثابت شود بر خلاف

قاعده ضمان علی البی

فروق بین ضمان بر با ضمان محققی

صل محققانست، حواله، ضمان معارضه، ضمان درک و غیره این نوع ضمان صریح

به انعقاد محققی و برادری است، حال آنکه در ضمان بر محققی درین

نیت، دست یافتن بر مال دیگری بدون اذن و اجازه بوده است.

Subject :

Year . Month . Date . ()

موقوف ضمان بر قاعده انکلاف

در قاعده انکلاف شخص مال دیگری را تلف می کند در حالی که در قاعده علی البید فقط تسلط میدانی کند. عنصر اصلی انکلاف، تلف است که در ضمان بر وجود ندارد. مثل اینکه کتاب دیگری را بردارد یا بردارد و آتش نریزد اولی ضمان بر او در قاعده انکلاف می باشد.

دلیل وجوب این قاعده روایت نبوی است که می فرماید

علی البید ما اخذت حتی توریم (توری)

بردارنده مال آنچه را که گرفته است باید برتر داند

عجز و تکلیف روایت

در شامل بر بدنی و تسلط و استیلا میباشد.

آیا این قاعده شامل ایاری سابق و متعاقب می شود یا خیر؟

از اطلاق روایت می بریم که شامل بدو کتل، و غیره اما فی موردی است بر قائم مقامها خواهد بود.

آیا شامل بر مرتکب نیز می شود؟

تسلط بر تفریم خودت نیست و تضامن در ملک مال براس قاعده کلی برای هر دو نفر

مسئولیت تضامن دارد. مثل اینکه دو نفر یک صندوق را با یکدیگر سر عمل نمایند.

آیا جهل به حکم یا موضوع تاثیر دارد یا خیر؟

از اطلاق روایت می بریم که شامل بدو کتل، و غیره

جهل به حکم رافع مسئولیت نیست و در نتیجه چون ضمان بر اقسام وضعی می باشد.

جهل به موضوع نیز رافع مسئولیت نیست.

مثل اینکه مخدوم خودت نیست یا آنرا بخورد، یا بپزد و یا بپوشد و یا بپوشد و یا بپوشد

مسئول قاعده کلی البید

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

از عموم و اطلاق و استیفاء من شود که شامل اموال منقول، غیر منقول، حیوانات و
 می شود تنگین شامل صنایع منعی شود زیرا غیراً صنایع دلالت ندارد.
 صل انکم فردی را از خانه اش بیرون کند، مانع استیفاء از اموال وی می شود و

۵ اگر آیه در قاعده علی السیر

از لفظ "أخذت" بی هر بیم که ترکیب باید یا اراده و اختیار و قصد بر مالی تسلط باید
 در حالتیکه در فرد مکره این خصوصیات وجود ندارد. در نتیجه قاعده علی السیر من عمل فرد
 ۱۰ مکره نمی شود. همچنین افراد مست، دیوانه، صغیر غیر مهتر و بیالیه منقول
 این قاعده خارجند لکن افراد مضطر، نسیم، صغیر مهتر و اشتباه کار، منقول
 قاعده ضمان بر خواهند بود.

منقول را از انکس مال باید بر برگردانده شود این است که مال محفوظه به صاحبش
 ۱۵ برگردانده شود. از اطلاق در استیفاء مکره که صرف رفع بدکارگی نیست، عملاً
 باید وضع بدکارگی صورت گیرد. در نتیجه اگر رفع بدکارگی ولی مالک تسلط میداند
 حتی توری یعنی نمی دهد و ضمانت همینان باقی است. حتی اگر به خیال و فرزند وی و
 واره شود و تلف گردد نیز ضمانت باقی است. مثلاً لشکر این افراد یا وکیل و نماینده
 وی از نظر عرف گفته شود که مال به مالکش سرگرد شده است. در صورت فزون مالک

اصلی اگر وکیل یا نماینده وی معلوم نباشد و در واقع بلا اوارت تلف گردد به نام
 یا حاکم شرع یا به مصرف فقرا می رسد (ماده ۱۶۶ قانون مدنی) در ماده ۱۶۳ قانون
 مدنی هر فرمالی باید تا مدت یک سال تعریف کند (بنا بر آنکه این به بعد است) اگر در

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

مردن مزبور ۴۴ ساله میباشند و محاربت است، از امانت ننگه دارد یا صدقه بدین صورت

چه مالی باین تادیه شود؟

بر اساس ماده ۱۱ قانون مدنی "خاصیت ضامن عین است" و ملحق است
در صورت بقا آنرا به صاحبش برگردانند هر چند موجب ورود خسارت گردد. مثل حصول
درین ضمانت و... در صورت تعدد (عذر داشتن، نامتوانی و...) بدل و قیمت آنرا میبایست
تاریخ نماید. حتی در صورتیکه در عین ماخوذه تغییر حاصل شود باین مثل روز اول خریدن نماید
مستندات این باب صحت مدارک ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴ و... قانون مدنی میباشند.

۱۹۴، ۲۹

قاعده لاضرر

مستندات این قاعده

۱- قرآن

۲- سنت یا روایات

۳- اجماع

۴- عقل

۱- در آیه ۲۵۲ سوره بقره خداوند تبارک و تعالی میفرماید

"لا تقنوا ووالده یولدها و لا مولود له یولده"

هیچ یک از ما در حق نداردیم فرزندان ضرر وارد کند.

معنی تفسیر این آیه این است که هیچ کس حق نداردیم دیگری ضرری وارد نماید.

۲- سنت یا روایات

باین فرموده "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" و همچنین فرموده "وقضی ان لا ضرر و لا ضرار"

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

یا در جایی دست فرمود " آنک رحل مضار لافزار علی العوض "

سره بن حبه ب اصباع بیاض و در کتبان معاویه و مخالفین امام علی "ع" رحلت
خرمایی در داخل منزل کنی از اضرار داشت که بیاض در دستور داد آنرا کنند نه و بی او کوفین دارند
سواد ۱۳۰ تا ۱۳۵ قانون مدنی در ارتباط با ماده لاضرر تعریف شده است .

۳- اجماع

اجماع منقول و ما حصل دلالت دارد که ضرر در تنگ به سران صحیح نیست

۱۰- عقل

عقل سلیم هم از ضرر به سران را نهی میبرد .

* عزیزم رحمتی روایت " لاضرر و لافزار فی الابدان "

۱۵- لافزار جنس است ، حکم است و صل مطلب خاصی نمی شود و هر ضرری که از بدن بیرون
ضرر است آید بی تن . هر آنگاه بیرون رود

لاضرار = باب مفاعله که دو طرف دارد ، اگر دو طرف هر که ام ضرر برسد باید جبران کند
ضرر به معنای عدم التفع یا جبران خسارت یا زیان وارده را گویند . لاضرر به معنی

۲۰- نفس است - ظهور در حرمت دارد نه اضرار نه ضرر علاوه بر آنکه حکم حرام است از نظر قانونی نیز ممنوع است

از مفهوم این روایت استفاده می شود که در اسلام ضرر غیر متدکیر نداریم .

دایره مقبول این مقاعده

۲۵- صحیح ضرر در اسلام وجود ندارد

هر چیزی که ضرر ندارد اسلام اجازه نداد است ، حتی اگر عبادت ضرر داشته باشد ممنوع

است. مثلاً اگر در صورتی که برای سلامت شخص ضرر داشته باشد ممنوع است. چیزی که ضرر وجود دارد

① گاهی تعارض بین این قواعد است. مثلاً به شخص حمله کرده و شخص را نفس گرفته ولی باید دقتی را ابرفته است.

سپس به خانه شخص آمده و از سبیل رافع کرده و سبیل خانه همسایه را اذیت کرده

لازال الضرر بالضرر
یعنی حق نزارید ضرری که متوقع تمام است متوقع دیگری کنید

② ضرر بین دو نفر است "الجمع بین المقوق لهما امکن اولی"
به تناسب ضرر بین طرفین تقسیم می شود.

③ اگر راه در ضرر اگر راه به نفس جان نرسید (قتل) ولی در موارد دیگر مگره امدام کرده و مگره ضرر را جبران میکند.

④ قاعده تسلیط

تعارض مابین قاعده لاضرر و قاعده تسلیط

"الناس مسلطون علی اموالهم"

اگر بین قاعده لاضرر و تسلیط تعارض شد. قاعده لاضرر به دلیل مقطوعیت

مسئله وارد بوده و حکومت دارد در قاعده تسلیط

20 کاربرد قاعده لاضرر در روایات و قانون مدنی

میا صبر در مورد { تلف هم شرکت مابین دو توبه خوانی (جزیه جزیه) }
روایاتی را دارد { دیوار مابین همسایگان }
آبیاری مابین باغها و ...

قوانین مدنی باب تلف در مورد حقوق همسایگان، دیوار کش، حفظ حریم خانه است

* تعارض دو ضرر نسبت به دو توبه

Subject :

Year . Month . Date . ()

سلی جریان، عفت، نوخانه، دو باغ، در مزرعه و ... را هم طرز بسیار در معرض
 خطر قرار می دهد. آیا به سود دهی لهم ضرر دیگری اقدام می کند؟ بر اساس قانون
 مدنی در شرح مفاد جمع مابین حقوق توقیف اولی است از آنکه ضرر را فقط متوجه
 یک نفر نمایم در نتیجه از ضرر متوجه یک نفر دیگر باید نسبت به سهم خود جبران نماید.
 سلی که من خواهد نوخانه را در آن کتدی به سمت یک خانه هدایت شود و سلی خانه
 تمام بماند و ضرر را رونق به نسبت سهم خود جبران کند.

۱۰. اجتناب غیر در صورت اجراه

اگر راه به غیر از مابین جانبی امر ادبی نگردد لیکن من به بیت از ناصبه اجراه کتده جبران
 ضرر گردد.

معارضه قاعده لاضرر با قاعده تسلط

بر اساس قاعده الناس مسلطون علی اموالهم افراد نسبت به اموالی که دارند اختیار کامل
 و مطلق را دارند اما باید عین هر نوع عیانت اجازه داده شده، من توانند هر قدر خواهد
 لیوا خانه خود را بالا ببرد، یا بخره ای به ملک دیگری باز نماید، ایجاد حیا و دستگیری نماید و
 لیکن اگر به واسطه این امور ضرر به دیگری وارد گردد و قاعده لاضرر، دامنه اعمال قاعده تسلط
 را از بین می برد. دستگیری برای اعمال سبقه های شخصی و فردی وجود ندارد.

۲۰ کاربرد قاعده لاضرر

موارد قانونی، قانون مدنی از مواد ۱۳۰ تا ۱۳۹ (مقدماتی) (ضرری)، عقد شتم،

و عیب نفع بر زن و فرزندان زیر فقر ضرر زایی برابر همسر است. ولایت پدر و جد پدری

در مقام نکاح - ضرر در روزه و وضو برای افراد بیمار و ...

قاعده صفت - اصل صفت - اصالة الصفة

قاعده صفت که به آن اصل صفت یا اصالة الصفة نیز می‌گویند به معنای لغوی یعنی داشتن اثر سرد رنگ در برابر سرد قرار گرفتن

مثل اینکه به رابطه بیع نقل و انتقال من و صبیح هر مورد، تکلیف موجب رابطه زمانه است (مثل اینکه خلافش ثابت شود) از نظر اصطلاح هر فعلی که در عالم بیرون واقع گردد اصل بر این است.

کاربرد قاعده صفت

۱- در احکام تکلیفی مثل عبارات: اگر شک در نماز بینیم که آیا چیزی بین انجام داده ایم یا خیر، در وقت سجده و جهاد شک کنیم ملا در حلال و حرام بنا بر اینکه آیا لباس که می‌پوشیم زین است که انجام ندهیم... صحیح است یا خیر اصل بر صفت است.

۲- در اصنام وضعی مثل معاملات عقود، اتقاجات، در اندک مقدسیت شده صفت دارد یا خیر، عقد رضی برقرار شده یا نه، با اجازه مالک بوده یا خیر از اصل صفت تکلیفی می‌گیریم

۳- حل فعل مسلم بر صفت، کسی شکار کرده شد می‌کنیم شرطی شرعی و قانونی را رعایت کرده یا خیر از اصل صفت تکلیفی می‌گیریم

دلیل صفت

۱) آیه قرآن "یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم"

۲) روایات

۳) اجماع علمای اهل بیت

۴) قاعده علمیه

۵) قاعده عسر و حرج در بار اول

Subject :

Year . Month . Date . ()

اگر اصل وصیت نباشد در بازار سلیمین اقطاع ایجاد می شود.

از کتب

شرایط اجماع اصحاب وصیت

شماره

۱- فاعل قصد انجام فعل را داشته باشد (در صورتی که بنا کنیم قصد فاعل نیست، مقصد بیع دارد یا نه، اصل وصیت جاری نمی شود).

۲- اهلیت متعاقبین

۳- قابلیت برای انجام فعل

قاعده اقدام

لکن از مقطعات ضمان قاعده اقدام مره به است. یعنی اگر کسی با علم و قصد و رضایت

فعلی را انجام دهد مثل اینکه مالی را به جای تبرئه بخرد، آن نصاب دیگری بدهد، به دره بیندازد

یا معدوم نماید که ضامن نیست.

اردن حبس

۱- احترام مال مسلم - یا مبرهن - فرسودند همچنانکه جان مسلمان بر سر مال او

حکم محترم است، هر کس مال خود را در عرض تلفن قرار دهد یا آنرا سببند نسواند دیگران

را مسئول و ضامن آن قرار دهد.

۲- اجماع فقها

می فرمایند فریب مال فضولی با علم و آگاهی در صورتی که با رجوع مالک به وی برنگردد

مضول نمی تواند بدل آن مال را از مالک یا با بیع طلب کند همچنین در معامله با کودک، دیوانه،

سفيه و ... کسی ضامن بقواعد بود

۳- برهانی متواتر که در باب خطبه، انعام، تبرع نسبت به مال خود وجود دارد.

(بجس) (سباح) (کارمندان)

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

مدرك و دريل قانونى ماره ۴۶۶ قانون مدنى كه من فوقهايدر مدركس به بيع فاسد مالى
 راقضن كند باير آزار به ماصين رد نامير واكركلف شد مفاصن عمين و مفاغ ان خواهد
 بود . همين موار ۳۹۰ تا ۳۹۳ قانون مدنى كه در باب ضمان درك آورده است
 ضمان درك = حيار خسارت

5

10

15

20

25

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

۱۳۰۲، ۹۶

مقبوض به عقد فاسد

"کل عقد یمن بصحیح یمن بفاسده"

"عقدی که صحیحش همان آوریاتش فاسدش نیز همان آوریاتش"

۵. اگر بیع صحیح باشد اثرات قانونی دارد که این اثرات در عقد فاسد نیز وجود دارد

عبارت عقدی است و مستند آیات و روایات است.

قاعده مقبوض به عقد فاسد

از عبارت کل عقد یمن بصحیح یمن بفاسده "استفاده شود که هر

عقدی که صحیح آن موجب ضمان بوده باشد آن نیز باید ضمان را ایجاد کند.

مثلاً هرگاه ببعی باطل شود با بیع مؤلف است ضمن معامله را مسترد نماید، خریدار نیز مؤلف

است عن مال را بر گرداند.

۱۵. شرایط قاعده مقبوض به عقد فاسد

۱- لفظ عقد مطلق است و شامل عقد لازم، جایز، ایقاع و... می شود مثلاً اگر

بیع عیاقه فاسد در آن طرف مقابل مستحق عن یا مال المعالیه و در صورت بطلان

مستحق بطلان، مثل یا قیمت آن می باشد.

۲- منظور از ضمان داللی محض واقعی است که به صورت مثل یا قیمت می باشد نه ضرر

۳- ضمانت، بیعت قبض و اقباض صورت پذیرد.

۲۵. دلیلی حجیت

دلیلی بنیاد عقلی، اجماع، قاعده لاضرر، اعمه اهم به مال صلحا می باشد.

Subject :
Year . Month . Date . ()

سوالات مهم

۱- مقبولین بہ عقد فاسد را تعریف نموده، شرایط آنرا قسط نام ببرید.

۲- قاعده معنی را تعریف نموده، تفاوت آن با سلب معنی و اصول فم چیست؟

۳- قاعده اتلاف را تعریف کرده و وجه افتراق آنرا نقطه نام ببرید

۴- دھورت اجماع دو صیغہ منسوبی ہیکم را، بعضی را مکالم اجماع در سبب را نقطه نام ببرید.

۵- قاعده خنور را تعریف کرده، عناصر تشکیل دهنده آنرا نام ببرید.

۶- فرق صابغ ضلعیہ با قاعده یر و معانی حکم کی را بیان فرمایید.

۷- قاعده لا ضرر را تعریف کرده فرق آن را با قاعده کسب بیان کنید

۸- قاعده صحت را تعریف کرده موارد کار بر آن را با ذکر مثال بیان فرمایید.

۹- قاعده اقدام را تعریف نموده شرایط آنرا بیان فرمایید.

از ۹ سوال ۶ سوال صحیحاً و ۵ سوال ناسخ را صحیح